

## درسی که حسین (ع) بما آموخت

کتاب تاریخ بشر را که ورق میزنیم بفصولی بر خورد میکنیم که در هر يك از آنها بشریت يك قدم بزرگ بسوی تمالی و تکامل بر داشته است . در شروع هر يك از این فصول آنجا که بشر نزدیک بیرنگاه سقوط وهبوط میبود با يك جهش و يك جنبش ، يك تکان و يك بیداری گامی بسوی فلاح و نجات رفته است .

انسانیت، تمدن و فرهنگ خویش را مرهون همین دقایق و بلکانهای تاریخست .

باز در تاریخ انسان همیق میشویم ، سر ترقی و تکامل اجتماعات را از لابلای صفحات آن بیرون کشیده و در جستجوی این دقایق و لحظات تاریخی بنکاپو می پردازیم .

در آن زمان که دو نیروی متضاد ، دو مظهر حقیقت و باطل در برابر هم صف آرایی کرده اند ، آنجا که این دو قطب متقابر با هم روبرو شده اند برقی جهیده و راه آینده جامعه انسانی را روشن ساخته است .

آری تاریخ صحنه نزارع حق و باطل است ، بر خورد دو تضاد بین دو قطب حقیقت و مجاز است که راه تکامل بشریت را هموار مینماید .

---

خون ما از نوشیدن توگاستی نگیرد و ریشه ما با پنجه تو از زمین بر نیاید ؟!

چنین است سهر تاریخ و چنان بود گذشت روزها و شبها که دور زمان آنها را سبری سازد !

شهادت سعادت ماست و خدای چار و منتم !

## گنج شایمان ————— درسی که حسین...

در زندگی اجتماعی ارزش و مقام افراد بزمیان کوشش و تلاش آنها است یعنی از خود گذشتگی و ایثار افراد و بالاخره مقدار مصرفی که از وجود هستی خویش بنفع دیگران و در راه حق مینمایند؛ برای آنها درجه، محبوبیت، مقام و منزلت در دل سایرین ایجاد مینماید.

در حیات جامعه بشری و در پهنه تاریخ انسانی نیز انسان بر ارجح تر و محبوب تر و گرامی ترند که بیشتر از هستی خویش در این راه در راه نجات توده های بشری چشم پوشیده اند.

حدیث هشق و احترامیکه از مقام مقدس حسین ابن علی (ع) و باران با وفایش در دل هر انسان و هر صاحب دلی نهفته. از همین مقوله است. زیرا در رهگذر تاریخ قیام سیدالشهداء، صحنه کربلا و وقایع عاشورا درخشنده ترین صحنه مقابله حق و باطل است زیرا فقط در آنجا بود که مظهر کامل حق با باطل مطلق رو برو شد.

از تصادم آنها برقی جهید و درخشندگی آن همه را خیره کرد. در آنجا قهرمان این نبرد تا آنجا که در اختیار یک فرد بشر است از هستی خویش و وابستگان و عزیزان خویش در گذشت تا حقیقت پیروز گردد و برای آیندگان حجتی نماید و از اینجهت تا انسانیتی برقرار است و تا جامعه بشری پیش میرود عشق باین قهرمان تاریخ و ایمان بیکتبی که چون او پروانده است دردلهای خلق جایگزین تر و جاودانی تر میشود.

بلی! درسی که واقعه کربلا و سیدالشهداء بما آموختند و تا تأثیریکه قیام مقدس حسین (ع) در سرنوشت بشریت ننوده مطلبی است که گذشت زمانه، بروز حوادث روز؛ نهضتها، قیامها، انقلابات؛ روز بروز عظمت آنرا واضعتر نموده است.

برای بررسی نتایج این نهضت و تأثیر آن در سیر اجتماعات محتاج اطلاع از نیات حقیقی سیدالشهداء هستیم.

### هدف نهضت.

در صدر اسلام اصول عدالت و داد گستری در اداره امور اجتماعی بر اساس تعالیم عالی و نجات بخش اسلام جاری بود ولی با اسباب چیتی

## گنج شایگان ————— درسی که حسین بما ...

ها و اخلاهای معاویه و مخصوصاً پس از شهادت مولای متقیان و برقراری معاویه برمسند خلافت وضع بکلی منقلب میگردد از آن زمان دیگر حکومت قانون از بین میرود و بجای آن هوی و هوس و اغراض و مطامع سود پرستان و معاندین حکمرانی می یابد.

اصول مساوات و برادری اسلامی جای خود را بکینه توزی و غرضرانی میسپارد. دستگاه ساده و بی آرایش خلافت بتقلید از سلاطین ایران و روم بدربار پر طمطراق و تشریفات بدل میشود (۱)

در این میان اکثریت صحابه رسول خدا (ص)، آنانکه بادرک روح تعالیم اسلامی نظام اجتماعی اسلام را تشخص داده بودند از این اعمال خودسرانه معاویه اسفناک و دلپایشان پر از خشم و نفرت از این اوضاع بود. فساد و تباهی دربار معاویه و یزید، حکام و منصوبین آنها که همگی از سر آمدان اراذل و بیادگران بودند بنحوی که علناً با تعلیمات دین مخالفت و اموال بیت المال مسلمین و دارائی ملت را بین خود و هواخواهان نشان تقسیم میکردند.

این رسم زمامداران جاہر تاریخ بوده است. حکومت‌هایی که بنا حق بر مردم تسلط می یابند همیشه برای ارضاء و اغنای عمال و دست نشاندهگان خود مجبورند دست بخزانة اموال ملت دراز کرده و آنرا بیدریغ بین ایشان بخش نمایند دیدار این مناظر هر مسلمانی را منزجر میسازد

---

۱- در کوفه مسلم بن عقیل (ع) را بنزد ابن زیاد می برسد چنانکه سید ابن طاوس در لهوف نقل میکند ابن زیاد میگوید یابن عقیل اخبرنی بماذا آیت هذا البلد و امرهم ملتئم فشتت امرهم بینهم و فرقت کلماتهم . فقال مسلم ما لهذا آیت و لکنکم اظهرتم المنکر و دفنتم المعروف و تامرت علی الناس بغیر رضامتهم و حملتموهم علی غیر ما امرکم الله به و عملتم فیهم باعمال کسری و قیصر و آتیناهم لنا مرفیهم بالمعروف و نهنی عن المنکر و ندعوا الی حکم الکتاب و السنه .  
(ای پسر عقیل مرا بگری که بچه منظور باین شهر آمدی در حالیکه کار این مردم التیام داشت پس تو بین آنها پراکنده گی و جدائی الداختی)

مسلم گفت من برای چنین کاری نیامدم لیکن شما بکار های زشت آشکارا عملی نمودید و خوبیها را ترک کردید و بر مردم حکومت متکینید در حالیکه بدان راضی نیستند و برخلاف آنچه خدا شمارا بآن امر کرد بر آنها باز کردید و بکار های خسروان و قیصران ایران و روم عمل کردید ولی ما آمدیم تا آنها را بخوبی بخوانیم و از زشتی باز شان داریم و بکتاب خدا و سنت پیغمبرشان دعوت کنیم .

## گنج شایگان ————— درسی که حسین بما...

حضرت سیدالشهداء (ع) که در زمان برادر گرامی خویش امام حسن مجتبی (ع) بملت معاویه با معاویه تظاهری بمخالفت با این اوضاع نکرده بود احساس خطر بزرگی مینماید ولی هنوز شرایط زمان را برای قیام مستعد نمی بیند باینجهت در جواب یکی از شیعیان عراق چنین مینویسد:

« مادام که معاویه زنده است هر فرد از شما باید در خانه خود بوده و جنبشی ننماید بخدا که من از این بیعت خوشوقت نیستم زمانی که معاویه از این جهان درگذشت آنوقت ما و شما رأی و نظر خود را در این زمینه اظهار میداریم. »

ولی هرگز نمیتواند در برابر ناحق آسوده بنشینید بدینجهت در جواب معاویه که از مخالفت او اظهار نگرانی کرده بود چنین انشاء مفرماید

ما اریدلك حرباً ولا عليك خلافاً و ايم الله اني لعنائف لله في ترك ذلك وما اظن الله راضياً بترك ذلك و لا عاذراً بدون اعداء منه اليك وفي اولئك القاسطين الملعدين حزب الظلمته و اولياء شياطينه. الت القائل هجرأ و اخا كنده و المصلين العابدین الذين كانوا يستنكرون الظالم و يستعظمون البدع و لا يخافون في الله لومة لائم ثم قتلتم ظلاماً و عدواناً .

ولی هنوز موقع قیام نرسیده است . تا اینکه معاویه در آخر عمر میخواهد برای یزید بیعت بگیرد در این موقع سیدالشهداء خطر بزرگی را متوجه عالم اسلام می بیند .

مسئله دیگری پیشوای مسلمانان را نگران می سازد و آن دخالت و نفوذ بیحد و حصر خارجیان در دربار معاویه در نتیجه حکومت و سلطنت آنان بر مسلمانان است .

مستشار معاویه در اکثر امور مالی و سیاسی سر جیوس مسیحی است یزید هم همچون اکثریت اشراف زادگان ما در دامن مسیحیان تربیت یافته و نندیمانیش را خارجیان تشکیل میدادند . این سلطه و نفوذ مسیحیان بر مسلمانان خطر عظیمی برای عالم اسلام بود و سرانجام هم ضربه بزرگی باسلام زد .

در تمام ادوار تاریخ نفوذ عده ای از خارجیان بنامهای مستشار و سفیر و نماینده در میان مسلمین خطرناکترین ضربه ها

**گنج شایگان** ————— درسی که حسین بما...

را بحیثیت آنان وارد آورده و شیراز دین و ملیت آنها را از هم پاشیده و کشورشان را دچار فساد و انحطاط ساخته است .

یکی از کشیشان واتیکان در کتابش مینویسد که « اگر ما در تمام کلیساهای اروپا مجسمه معاویه را باطلا بسازیم باز از عهده قدردانی از او و خاندان او برنیامده ایم زیرا اگر او و مبارزات و دشمنی او با خاندان پیغمبر و اصحاب خاص او نبود اسلام سرتاسر اروپا را فرا میگرفت » .

**این اثر بلا تردید نفوذ مسیحیان در دستگاه دولتی مسلمانان است .**

بنا بر این می بینیم وجود دستگاه سلطنتی معاویه چه فوایدی برای عالم اسلام داشت!

از جانب دیگر بیعت گرفتن معاویه برای یزید یعنی ولیمهد کردن او بدعت دیگری در دین است مسئله ولایت عهد و موروثی کردن حکومت لکه جدیدی است که میخواهند بر عالم اسلام به بندند در اسلام حکومت و سلطه جز از راه فضیلت و تقوی و برتری معنوی امکان پذیر نیست در زمان معاویه با تمام فساد خود لااقل ظاهری از دین راحفظ میکردند ولی اینبار کسی میخواهد براریکه سلطنت تکیه زند که بفسق و فجور معروفست و بعمل بمنکرات موصوف آندینی که این چنین اراذل بنام خلیفه و حاکم پیشوای آن باشند ارزشی ندارد وقتی خلافت یزید بسمع حسین (ع) میرسد میگوید « علی الاسلام السلام اذا قد بلیت الامه براع مثل یزید (اسلام رابدود باید گفت وقتی کار دین بجائی رسیده که مثل یزید: هیر توده اسلامی گردد ) بدینجهت قیام میکند قیامی مردانه برای برانداختن حکومتی ظالم و فاسد هدف نزدیک سقوط یک دستگاه ناحق است .

**ولی هدف اساسی اینستکه بمسلمانان، بهمه توده های محروم، بجهان بشریت پیاموزد که نباید تسلیم حکومت زورور شوند (۱)**

---

(۱) تاریخ طبری از سید الشهداء (ع) نقل میکنند که در راه کربلا در برابر حسین یزید ویاسی گفت از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: من رأی سلطاناً جابراً مستحلاً لعمر الله ناکثاً لمهد الله مضافاً لسنة رسول الله یعمل فی عباد الله بالانتم والممدوان ولم یغیر

## سبج شایگان ————— درسی که حسین بما...

افرادی که میخواهند زندگی آزادگان و احرار داشته باشند در برابر حکومت فاسد و ظالم باید تسلیم نشوند و قیام نمایند.

### تصمیم به شهادت

کسانیکه زندگی را از دایره کوچکی که در گرد خویش می بینند وسیع تر نمیدانند و حد اکثر کوشش و فداکاری که ممکن است در راه زندگی بنمایند از حیطه منافع شخصی آنان خارج نشده و در گرد آن دور میزند نمیتوانند بمصالح بنی نوع انسان و جامعه بشری بیندیشند (۱) و بخاطر آن تلاش نمایند حاصل اعمال آنان سیاست ماکیاولیسم سیاست مخرب تمدن کنونی یعنی فدا کردن مصلحت نوع برای منافع فرد است .

ولی برجستگان بشر بافق وسیعتری مینگرند آنان با ایمان بوجود يك مبدء كامل در عالم وجود و اعتقاد بسیر موجودات و زندگان بسوی آن کمال مطلوب بآئیه بشر و بمصالح جامعه انسانی اندیشه میکنند .  
آن خوشبختی که آنان طالبند از حیات یکفرد گذشته جامعه بشری را حاوی است ، افق فکرشان از حدود عمر اشخاص گذشته و اعصار و قرون

---

۱- قرآن مجید سوره زوم :

یعلمون ظاهراً من الحیوة الدنیا وهم عن الاخره هم غافلون

---

علیه یعمل ولا قول کان حقاً علی الله ان بدخل مدخله الا وان هولاء قد ازمو اطاعة الشیطان وترکوا طاعة الرحمن و اظهر الفساد و عطلوا الحدود و استاندو و بالفیثی و احلوا حرام الله و حرموا حلاله و انا حق من غیر .

رسول خدا فرمود اگر کسی فرمانروای مستکاری را ببیند که پیمان نبرد و پیمان را می شکند و با بندگان آفریدگار بد رفتاری میکند ، او نیز در اینصورت بکردار نکوهیده وی رضایت داده و از با نشنید و خاموشی گزیند ، پروردگار را لازم آید که آن شخص را بکیفر خویش برساند . و بدانید که اینان باطاعت شیطان گرا میباشند و فرمانبرداری خدا را ترک گفته اند ، فساد را آشکار و حدود الهی را معطل گذاشته اند حلال را حرام و حرام را حلال پنداشته اند ، و من سزاوارم بر اینکه با گفته او رفتار نیز بدستکار مخالفت ورزم .

گنج شایگان ————— درسی که حسین بما ...

آتی و گذشته را شامل است .

آنان آن زندگی را طالبند که در آن وصال آن کمال مطلوب حاصل شود و این وصال را جز در اجتماع بشری امکان پذیر نمیدانند علاقه آنان بدین نوع زندگی است .

محبت بچنین حیات عواطف واحساسات فاضله‌ای در انسان<sup>۲</sup> بیدار می سازد که موجب عدالت و آزادی است و ایثار و فدای نفس در راه مصلحت نوع از آن میزاید ، از این عشق و ایمان جهاد فی سبیل الله یعنی عالیترین مظهر تکامل انسانیت صادر میشود .

حسین ابن علی (ع) یکی از آن معدود بزرگانی است که برای وصال بهمان معشوق و همان مطلوب آفقدیدگان خدا بیش از وراء مرزهای زمان و مکان و قرون و اعصار گذشته سعادت انسانیت را در نظر داشته است .

بدین جهت عشق بدان کمال و آن معشوق او را بسمت کربلا و بسوی تسلیم خویش و وابستگی و عزیزان خویش میکشاند .

نهضت‌های تاریخی که در جامعه بشریت ظهور میکند تا با خون آبیاری نشوند سر سبز و بارور نتوانند شد . فدای نفس و شهادت انسانها برای باز ماندگان و آیندگان دارای آثار روحی و روانی است که نهال نهضت را بارورتر ميسازد .

سیدالشهداء ع هم با ایمان بدان حقیقت همه جا سخن از علاقه خود بشهادت میراند در راه کوفه باصحاب خود میگوید :

خطا الموت علی ولد آدم محط القلادة علی جیدالفتاة

( نقش مرگ برا بناء انسان<sup>۳</sup> همچون گلوبند برگردن دختر جوان زیباست . )

و به برخی از یاران خویش که بیم ترلزشان میرفت خطاب میفرماید :  
واعلموا ان الله یهب المنازل الشریفه لعباده باحتمال المکاره  
( خداوند مقامات نیکو و شریف را بنسبت تحمل ناملازمات بندگان خویش بآنان عطا میکند . )

### تأثیر نهضت

کر بلا صحنه جنگی بود که در آن هم مانند همه جنگها سر انجام يك طرف غالب و طرف دیگر مغلوب گردید، ظاهراً سپاهیان قطب یزید و ابن زیاد پیرو شدند؛ و حسین بن علی ۴ و یاران و جوانان ارجمند و باوفای او شهید، اموال آنها دستخوش تاراج، خیمه‌ها طعمه حریق و بانوان اهل بیت گرامی او باسیری گرفتار شدند، ولیکن اثر حقیقی جنگ بلافاصله از عصر عاشورا در شهر کوفه و بعد از آن در شهرها و بلاد اسلامی دیگر مشهود و عصبانها و قیامها شروع گردید.

ابن زیاد و عمال حکومت سیاه یزید احتیاطهای لازم را بکار برده بودند که امر از مردم مخفی بماند و حتی سعی میشد که هیچ جا نام حسین ۴ برده نشود و از او بنام يك خارجی یاد گردد و از طرف دیگر میخواستند بازجر و شکنجه‌هایی که بر خاندان سیدالشهدا وارد میاورند کاری کنند که بازماندگان اهل بیت رسول خدا یارای دم زدن نداشته باشند، با این حال شهادت سیدالشهداء ۴ همه رشته‌های آنانرا پنبه کرده و موضوع در کمترین مدت از سر تا سر ممالک اسلامی بگوش همگان رسید و اخبار آن همچون بمبی منفجر شد.

زینب ۴ دختر مولای متقیان ۴ یزید گفت «گمان کردی همینکه اطراف زمین و آسمانرا بر ما گرفتی و مردان ما را کشتی و ما را اسیر گردانیدی آیا ما خوار شدیم و تو بزرگ گشتی؟ و آیا این از عظمت مقام تودر نزد خداست؟ آهسته باش مگر کلام خدا را فراموش کردی که میفرماید:

«ستمکارانرا اگر موقتاً مهلت دهیم گمان نکنند این مهلت برای آنها خیر است ما آنها را مهلت میدهیم تا گوهر خود را نمایان سازند و آنچه میتوانند ستم کنند آنگاه آنها را بکیفر سخت خود دچار سازیم.»

این بیانات هم حکایت نقشه آنان و بر هم خوردن آن مینماید. طرفداران باطل همیشه میخواهند از پیروزی نور حق جلو گیرند ولی علیرغم آنان حق پیش میرود.

یریدون لیطفقو نورالله والله متم نوره ولو کره الکافرون



## گنج شایگان ————— درسی که حسین بما...

شمله حقانیت سیدالشهداء نخستین بار از دل همان‌ها که او را کشتند سرزد و خودشان متأثر گشتند و حتی گریستند طبری مینویسد در حال شهادت امام حسین ۴ عمر بن سعد نزدیک آنحضرت آمد، زینب (ع) خواهر سیدالشهداء در غیبه‌اش ایستاده و بوی گفت «تو نگاه میکنی که ابو عبدالله را بکشند» اشکهای عمر بر چهره‌اش جاری شد و صورت خود را برگرداند

عوامل دستگاه ستمکاران بن زیاد مصمم بودند که اهل بیت سیدالشهداء ۴ را با سبکی و استخفاف وارد کوفه نمایند تا مردم نفهمند که اینان از خاندان محمد ص هستند زیرا معروف است که مردم عقلشان بچشمشان است ولی باز قضیه بر عکس شد و این اعمال عظمت مقام آنانرا در دیده و دل مردم افزود در نزدیک کوفه یکی از زنان تماشاچی از اسیران پرسید :

شما از چه طائفه‌اید ؟

گفتند «از آل محمد ص»

از همانجا در میان مردم همه افتاد و زمین را مساعد کرد که زینب (ع) و امام علی ابن الحسین ع هر یک خطابه‌ای خواندند و خود را چنانکه باید ب مردم شناساندند و مردم کوفه را توییح کردند و همان خطابه‌ها زمینه انقلاب را درست کرده و مردم کم کم بفکر توبه و خونخواهی سیدالشهداء افتادند و همان کوفه را قتلگاه ابن سعد و ابن زیاد و سایر قاتلین ساختند و با قیامهایی که بعد از آن شد تا سال ۶۶ هجری کلیه مسبین حادثه کربلا نابود شدند .

بدینترتیب يك قسمت از نیت مقدس حسین ع بزودی عملی گردید . دستگاه ظلم و ستم منکوب گردید ، درباری فاسد و خائن و (سلطانی) هرزه و شهوتران که عیش و نوش و بیداد و هرزگی را بر راه حق و اجرای اوامر دین و خدمت خلق خدا پسندیده و پذیرفته بود محکوم و نابود شدند .

اجراء نیت و تحقق آرزو پیروزی درخشانی است .

پس از این جهت فتح و ظفر با قطب حقیقت و عدالت یعنی حسین ابن علی ع و یاران و فادار او بود ولی این تمام نیت سیدالشهداء را تشکیل نمیداد حسین ع بر تر از آن بود که يك زمان محدود و يك مکان

## گنج شایگان ————— درسی که حسین بماند

بخصوص بیندیشد دل حقیقت خواه و دیده خدا بینش متوجه جامعه بشری بود  
قیام او برای این بود که ظلم و نا حق برای همیشه از جهان رخت بر بندد  
و عدالت حاکم مطلق گردد .

تحقق این آرزوی پیشوای شهیدان ع بر عهده تابعین و پیروان آینده  
او گذارده شد ولی او راه و رسم حقیقت خواهی را با آیندگان آموخت  
در مکتب حقایق خود اولاد ایب و معلم بود و خوش بدرس خویش عمل کرد  
و عالیترین نمونه ها را در تاریخ بجا گذارد .

بدین سبب برای جهان بعد از او مردم آینده و دوستان سعاد  
و تکامل اجتماعات حجتی نماند جز تعلم در مکتب او .

درسی که سیدالشهدا (ع) و یاران وفادار او آموختند بسی گرانبهاست .  
اولین درس آنان آزادی و حریت است آنانکه در زندگانی  
بغورد و خواب ولو بامذلت و خواری راضیند معنای حیات را نفهمیده اند

### الموت اولی من رکوب العار

### والعار اولی من دخول النار

درس دیگر آنان حق پرستی و حقیقت خواهی است حسین (ع)  
بشریت را متوجه ساخت که در تلاشهای زندگی ، در اعمال و خدمات ، در  
کششها و کوششهای ما تنها یک راه است که ضامن سعادت تواند بود ،  
فقط راه حق پرستی یعنی حقیقت جوئی و خداشناسی باید معیار اعمال بشریت  
سعادت خواه و تکامل بو حق و عدالت باشد نه لذت و شهوت های گوناگون  
همین میزان است که امر بنیکی و نهی از بدی را تلقین کند .

ولی درس سوم سرور آزادگان جهان جهاد و مجاهدت  
حق طلبانه است . اگر هر چه در محیط ما میگذرد تسلیم شویم ، اگر افراد  
اجتماع را بحال خود وا گذاریم . اگر امر بمعروف و نهی از منکر از جامعه  
مارخت بر بندد انحطاط و قهقرا سرنوشت اجتماع انسانی است . باید در  
برابریها ایستاد باید بظلم و فساد تن در نداد و باید بانا حق و باطل جهاد  
و در راه پیروزی حق مجاهده نمود . این ندای حقیقت اوست که چشم و  
گوشهای آیندگان را بیدار میسازد و به بشریت هشدار میگوید ، میگوید و

منج شایمان ————— درسی که حسین بما...  
میآموزد که بستم ستمکاران و بیداد جباران و فرمانروایان ناحق رضاندهید  
و با آن بجنکید آری لذت زندگی درایمان و جهاد است .

### انما الحیوة عقیده و جهاد

بسالخره درس اساسی و اختصاصی مکتب سید الشهداء  
فدای نفس و نثار خون است و او در این درس حجت را بر جهانیان  
تمام کرد .

ظفیان باطل و جریان تند فساد اجتماعات و قدرت زورمندان خدا  
ناشناس بقدری است که اعمال صالحین و حق طلبان و مبارزه و مجاهده آنان  
و آنچه که بادست و زبان میکنند از عهده طردش بدر نیاید ، نماچار بقوه ای  
دیگر باید متوسل شد . آن فدای نفس و تسلیم عزیزترین و گرانبهارترین  
چیز های خویش است با این اسلحه میتوان قدرتهای چون کوه باطل را  
درهم شکست و با این سلاح ممکن است سپاه بی رقیب ظلم و فساد را  
منکوب نمود .

آری ریختن خون خود و شهادت در راه حق است که درخت نهضتهاو  
جنبشها را آبیاری می نماید ،

سیدالشهداء در این عمل سرور و رهبر جهانیان است .

او بما آموخت که اگر عزیزترین چیزها جان شما و خاندانتان است ولی  
گرانبهارتر از حق و عدالت نیست هر جا این دچار خطر شود باید آنرا فدا  
کرد . اومارا متوجه ساخت که لکه های تنگی را که حاکمان و بازیگران  
ستمکار و فاسد بردمان دین خدا و سنت رسول خدا میخوانند بگذارند موظفیم  
که باخون خود آنرا بشوئیم و الحق با نثار خون خود و عزیزانش نتایج عالی  
آنرا بسلیمانان نشان داد .

در روز عاشورا اعلام داشت که :

اما والله لا اجیبهم الی شی مما یریدون حتی التی الله

وانا مخضب بدمی

( بعدا قسم آنچه را که میخواهند (بیعت با یزید) نخواهم پذیرفت تا

آنکه پروردگار در حالیکه بخون خویش آغشته ام ملاقات کنم)

گنج شایگان ————— درسی که حسین بما ...

این درس آزادگی و انسانیت است ، این راه و رسم زندگیست که در سال ۶۱ هجری باقیام سیدالشهداء جلوه کرد .

مصعب ابن زبیر چند سال بعد باتذکر این حقیقت بجهاد برخاست . او گفت :

ان اولاء با لطف من آل هاشم

توا سوا و سنوا الکرام بالتاسیا

( همانان . از خاندان هاشم در روز آتش (عاشورا)

( در فدای جان خویش برابری جستند و جمع رادمردان را بتاسی

و داشتند . )

بلی از آپس رادمردان جهان از این خاندان سنت آزادگی آموختند

و در راه حقیقت خواهی و عدالت طلبی راه و طریق آنان شدند .



خاطره واقعه کربلا بعد از قرون متمادی هم تر و تازه خواهد ماند و مرتباً بر عظمت آن در دیده و افکار آیندگان افزوده میشود . یاد آوری آن در هر زمان قلب انسان را روشن و عقل را حیران خواهد ساخت از شنیدن یا خواندن آن اشکی که نماینده عشق و احترام بمقام حسین (ع) و شهدای

کربلاست از دیدگان جاری میشود .

پس از آن حادثه سلاطین و خلفاء بسیار ، مسلکها و مرامهای پیشمار آمدند و رفتند و باز هم میروند ولی سیدالشهداء و خاندان نبوت و دین مقدس اسلام همچون درخت سرسبز و روخشنده ای بدون تعلق و اختصاص بقوم خاص و کشور معین فارغ از اختلاف شرق و غرب نور افشانی میکنند و دمبدم بسا گذشت ایام و تکامل دوران درخشانتر و روشنی بخش تر جلوه میکنند . آنان مصادیق کاملی از نهال درخت مبارک زیتون هستند که خداوند در قرآن خداوند در قرآن بیان فرموده و افزایش دائمی عظمت و جلال آنرا و عدد داده است .

تاریخ کربلا هیچگاه کهنه نمیشود ، و همیشه نوین و حیات بخش

خواهد ماند

گنج شایگان ..... درسی که حسین بما ...

ولی توای مسلمان وای پیرو مکتب حسین (ع) که بنام او مجالس عزاداری ووعظ وخطابه پیا میکنی وبیادبود او وقف و خیرات و میراث مینمائی ازاین واقعه واین نهضت چه بهره گرفته‌ای، ازاین درسها و عبرتها تورا چه حاصل گشته آنهمه مجاهدات و جانبازیها و آنهمه رنجها و سختیها آیا فقط برای گریستن و عزاداری توانجام گرفته است و آیا منظور این بوده است که عده ای علیرغم نیات سیدالشهداء (ع) فارغ از کلیه تعالیم و واجبات دینی مرتکب هر منکری بشوند و از هر معروفی دست بشویند و تنها بسالی یکماه سوگواری دلخوش کرده و خود را مسلمان بنامند؟

آیا هیچ بر آنشده‌ای که یک حکم دینی را در اجتماع و ادار بعمل نمائی و آیا امر بعرف و نهی از منکر و راز بقا و تکامل اجتماعات را در نظر داشته و اجرا کرده‌ای و آیا هیچ شده است که در برابر عمل فاسدی اعتراض کنی و از آن جلوگیری، در برابر ظالمی قیام کنی و از ظلمش مانع شوی بر علیه نالایقی پیا خیزی و برآه خیرش هدایت کنی. اگر چنین نشده بیجهت خود را پیرو مکتب حسین (ع) میدانی.

آن کسانی که بنام تذکر و تشریح حالات شهیدان راه حق و ذکر مصیباتی که بر خاندان آنان وارد آمده تکیه برمسند پیامبر خدا میزنند و از مقامات ذینفوذ و از دستمکاران و فاسدان مداحی و دفاع مینمایند خطا کار بوده و در برابر مقام حسین (ع) مسئول و سرافکننده هستند.

شما ای مسلمانان وای شیعیان بدانید و آگاه باشید که جز با اجراء کامل درسهای حسین (ع) و تعالیم مقدس اسلام و با ترویج و تبلیغ حق و عدالت و آزادی و حریت و جلوگیری از زشتی و فساد و بیداد و ذلت نمیتوان خود را مسلمان نامید و یقین بدانید که:

سپاس حسین ابن علی (ع) را جز با پیروی از مکتب و آئین او نمیتوان بجا آورد